



۱۵ مارچ ۲۰۱۵



قیس کبیر

تبصره ای بر «زن و اسلام» نوشته محترم فرقانی و باز نویسی داکتر صاحب هاشمیان

نخست از همه با تقدیم احترام به محترم داکتر صاحب هاشمیان، نوشته شان را در ارتباط با جناب فرقانی مطالعه کردم. سوالی که ذهنم را بخود مصروف ساخت این بود که دلیل نشر و باز نویسی این مقاله از جانب داکتر صاحب در چی بوده است و روی کدام دلیل و نظر به کدام بخش مطلوب و قابل غور آن این عمل باز نویسی شان صورت گرفته است. البته جواب این سوال را از داکتر صاحب خواهیم گرفت. اما؛ من خود بعد از مطالعه این نوشته نظر به برداشت و درک خودم از جایگاه زن در غرب که توسط محترم فرقانی مبالغه آمیز مورد انتقاد قرار گرفته، تبصره ای دارم که خدمت شما خوانندگان پورتال پیشکش میکنم.

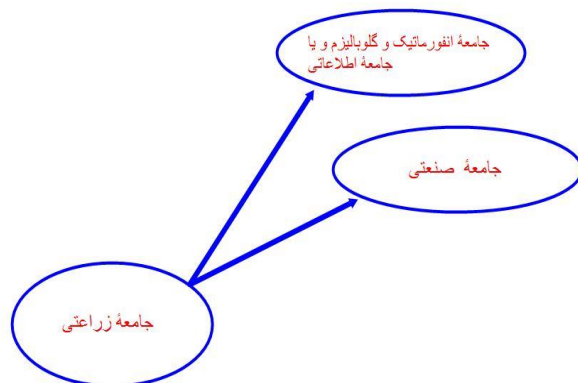
بدون شک ما و شما همه مسلمانیم، از یک پدر و مادر مسلمان در یک سر زمینی که مردم آن مسلمان و خدا پرست اند به دنیا آمده ایم و در کشوری که دارای شرایط سنتی و مذهبی اسلامی میباشد، بزرگ شده ایم. هر خانواده ای تا حدودی از اسلام آگاهی داشت مخصوصاً اشخاصیکه آگاه و صاحب سواد بودند. در مکاتب و مدارس مضمون دینیات تدریس میشد و در مساجد و معابد دینی تبلیغاتی درین راستا صورت میگرفت. همچنان زمانیکه ما همه به بلوغ رسیدیم خود در صدد معلومات آگاه کننده دینی برآمدیم و امروز کم و زیاد همه میدانیم که دین اسلام در وقت و زمان نزولش دارای قوانین بلند بالای از نظر حقوقی در حق زنان بوده است.

نکته مهم و قابل غوری که نباید فراموش شود این است که فرق بین سه فکتور بسیار اساسی که در رفتار و کردار و اعمال یک جامعه فوق العاده اثر گذار است یعنی (کلتور و سیاست و دین) باید از هم تفکیک گردد.

از مطالعه سخنان جناب فرقانی چنین استنباط میشود که ایشان با تأسف دین را با سیاست و کلتور در ممالک غرب مغالطه نموده اند و بدون توجه عمیق و بنیادی، این دو را در یک خط موازی قرار داده، به گونه مقایسوی روی آن بحث نموده اند که این عمل توانایی درک و آگاهی شان را درین راستا زیر سوال میبرد. بدین معنی که ایشان در مثال هایی که ارائه میدارند در قسمت مسلمانان از دین اسلام مثال می آورند ولی در قسمت غربی ها از کلتور و فرهنگ که انقلاب صنعتی، آنرا متأثر ساخت و تا امروز باعث تغییرات گسترده ای در آن گردید.

سعید قطب کسی بود که انتقاداتش را از یک جامعه زراعتی و فیودالی بالای یک جامعه صنعتی غربی در حدود شست هفتاد سال قبل که حالات سیاسی و اقتصادی همه کشور های اروپایی درین مقطع زمانی شدیداً بغرنج و در حال نوسان بود، وارد کرده است. اینکه چرا زنان مجبور به کار در بیرون گردیدند عواملی مثل جنگ جهانی دوم،

چلنجهای تولیداتی اقتصادی، صنعتی سازی جامعه، قلت مردان و ده ها عامل دیگر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باعث شد تا زنان در میدان نبرد حیاتی برآمده برای امرار حیات خود و فرزندان شان در تولیدات حصه بگیرند که این عمل زنان نه تنها در امور پیشرفت مملکت رول بازی کرد بلکه توانستند حق آزادی انسانی و اقتصادی شان را بدست آورده، سبب استحکام اعتماد به نفس شان گردند و به مرور زمان توانستند برای بدست آوردن حقوق بیشتر شان در جامعه مجادله کنند.

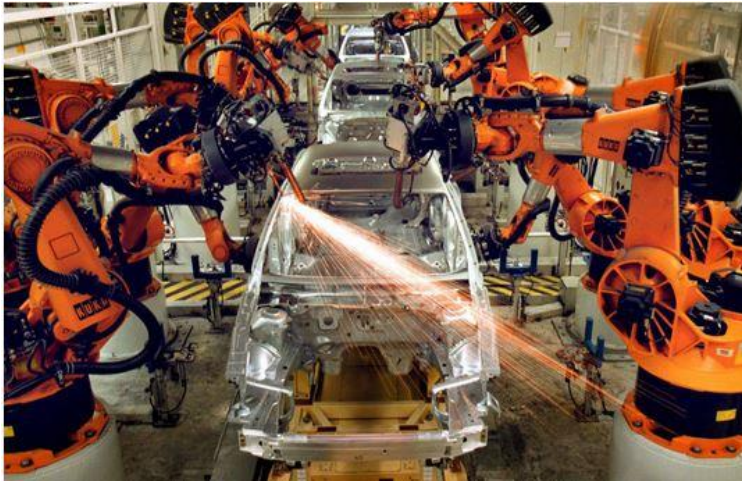


د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

امروز می بینیم که جناب فرقانی با اسلحه تقریباً (60-70) سال پیش که سعید قطب در برابر زنان زمانیکه جامعه غرب یک جامعه صنعتی بود، استفاده کرده است، محترم فرقانی با همان اسلحه، در شرایط فعلی که زنان دیگر از آن حالت برآمده و در یک جامعه انفارماتیک و مدرنیزه دوشادوش مردان در مساوات زندگی میکنند، استفاده می نمایند. که نه قابل درک است و نه منطقی، زیرا محترم فرقانی به جای یک پته دو پته زینه را گام گذاشته است.



همانطوریکه جامعه صنعتی به مرور زمان در اثر انکشافات مبدل به جامعه معلوماتی و اطلاعاتی شد، به همین ترتیب سیستم تولیداتی فابریکات (اندوستری 3) تولیدات توسط ماشین و انسان صورت می گرفت ولی در اثر انکشاف سریع این سیستم به (اندوستری 4) که تولیدات فقط توسط ماشینهای روباتیک صورت میگیرد، مبدل گردید. قسمیکه شما در عکس کنار متن مشاهده می کنید درین فابریکه برای تولید موتر نه دیگر مرد کارگر وجود دارد و نه زن کارگر. درین کمپنی ها یا فابریکات انسان ها اعم از مرد و زن فقط وظیفه دارند که در حدود فهم و تخصص شان در رشته های ذیربط، پروگرام های کاری را در کمپیوتر ها کنترل و بازرسی نمایند.

زن از چنان مصونیتی برخوردار است که اگر از سوی همکار خود مورد اذیت و آزار جنسی قرار بگیرد و او شکایت کند، شخص آزار دهنده نه تنها وظیفه خود را بلاوقه در آنجا از دست میدهد بلکه موضوع در آرشیف سوانح اش درج و حفظ میگردد و بعد از آن او در هیچ جای دیگری نمیتواند کار پیدا کند. بنابراین قانون مثل یک حصار فولادین از حیثیت و ناموس زن غربی حمایت میکند، پس انتقادات آقای فرقانی را با در نظر داشت نکات متذکره بالا درین ساحه غیر ضروری و عقیم میدانم.

قسمی که همه میدانیم امروز زنان جهان پیشرفته در حد والای حقوق انسانی شان در همه بخش های زندگی رسیده اند مثلاً: اگر جرمنی را مثال قرار دهیم زنان از بالا ترین پست دولتی (ریاست جمهوری) الی پائین ترین وظیفه (پاک کاری) را میتوانند انجام دهند. بدون هر نوع تحمیل و زور و اجبار البته به خواست خود شان و به اساس سوبیه تحصیلی شان. از تذکر اسمای زنان نامدار و زنانی که در بلند ترین پست ها در سراسر جهان فعلاً ایفای وظیفه میکنند صرف نظر میکنیم. فقط یک زن فزیک دان ایتالوی را که (Fabiola Gianotti) نام دارد میخوام نام ببرم که امروز سمت ریاست را در کنترل بزرگترین ماشین دنیا (particle accelerator) عهده دار است.

اگر علاقمند معلومات بیشتر درین زمینه باشید به لینک ذیل مراجعه کرده و ده ها لینک دیگر هم موجود است که شما خود میتوانید جست و جو نمائید.

[particle accelerator](#)

در اخیر گفته زیبای را از یکی از کتب اوشو فیلسوف هندی انتخاب کرده ام که مثالی خوبی برای تفاوت دید روشن و کمتر روشن میتواند باشد.

اوشو یکی از فیلسوف های بزرگ هندی است که برای مقایسه اشخاص آگاه و کمتر آگاه مثالی بسیار جالبی را در گفته هایش به مردم میرساند. وی میگوید:

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکي په خير و لولۍ

بقه پیری در چاهی زندگی میکرد که از بدو تولد تا پیری همین جا بوده. روزی از قضا هوا طوفانی شد و از بحر نزدیک همین منطقه، نسبت تحرک امواج خروشان بحر یک بقه گک جوان با آب درین چاه افتاد. بقه پیر به رسم مهمان نوازی و بزرگسالی بقه را در تمام نکات چاه برده معلومات لازم دادو در اخیر برایش توصیه کرد که هوش کنی که محتاط باشی زیرا تا امروز در تمام جهان به اندازه این چاه در هیچ نکته زمین تا این حد آبی فراوان و عمیق و خروشان نبوده و پیدا هم نمی شود که تو گاهی نسبت بی تفاوتی درین آب غرق نشوی و از بین نروی.

بقه جوان که تازه از بحر آمده بود با خود اندیشید که خوب اگر من برای این پیر بقه شرح بحر را بگویم ناممکن است که بپذیرد زیرا دید او از روز تولد تا ایندم فقط همین چاه را میشناسد نه بیشتر از آن. لهذا خاموش ماند و او را با نظراتش که در سطح خودش بود پذیرفت.

پایان

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ